

پیشنهادات انگلیس برای حل بحران نفت

۲۸ اسفند ۱۴۰۰ ساعت ۱۲:۴۳

هیئت استوکس روز بیستم مرداد به ملاقات آیت‌الله کاشانی رفت؛ اما «آیت‌الله کاشانی حمله شدیدی به سیاست استعماری انگلستان نمود و دولت انگلستان را به علت این سیاست منفور و مباحوث مردم ایران خواند و طرز عمل شرکت سابق را جنایتکاری نام نهاد و گفت ملت ایران دیگر حاضر به تحمل مداخلات استعمارطلبانه شرکت مزبور نخواهد.»

بعد از آنکه ایران با پیشگامی رهبران ملی و مذهبی توانست صنعت نفت خود را ملی نماید، انگلیس که دست خود را از این منبع پرارزش کوتاه می‌دید تلاش نمود از راه‌های مختلف، امتیازات استعماری سابق را اعاده کند. از این رو به محض آنکه مجلس شورای ملی لایحه ملی شدن نفت را به تصویب رساند، تکاپوهای سیاسی و حقوقی انگلیس نیز آغاز شد. پیشنهادات و تکاپوهای انگلیس بر پایه اعزام هیئت‌های سیاسی به ایران صورت گرفت. این هیئت‌های با پیشنهادهایی به ایران وارد شدند تا شاید بتوانند ایران را به پذیرش تصمیمات انگلیس متقاعد نمایند. دو پیشنهاد مهم انگلیس، پیشنهاد **چکسون** و **استوکس** بود.

انگلیس بعد از ملی شدن نفت چه کرد؟

در متن **قانون ملی شدن نفت** که در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، به تصویب رسید آمده است «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که **صنعت نفت ایران** در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.» بدین ترتیب نفت ملی شد؛ اما سعادت ملت آنگونه که پیش‌بینی شده بود تأمین نشد، چرا که انگلیس که سالیان سال از مزایای سرشار نفت بهره‌مند شده بود، تلاش بی‌وقفه خود را آغاز نمود تا بار دیگر صاحب این ثروت عظیم گردد. بنابراین ایران از همان آغاز اجرای قانون ملی شدن نفت با مشکلات زیادی روبرو شد.

نخستین مرحله دشوار اجرای قانون مزبور اجرای ماده دوم آن درباره خلع ید از شرکت سابق بود زیرا شرکت سابق کلیه وسایل فنی و محلی خود را در خوزستان بکار انداخته بود که از عمل خلع ید جلوگیری نماید یا لاقلاً عمل خلع ید را با یک سلسله مصادمات و پیشامدهای نامطلوب مقرون گرداند، و بعلاوه در ماده دوم و هفتم قانون مسائلی پیش‌بینی شده بود که برای اجرای کامل قانون مزبور مذاکراتی با شرکت سابق لازم بنظر می‌رسید خاصه که در همان اوقات هم شرکت اظهار تمایل به انجام چنین مذاکراتی کرد.^۱

مذاکرات و اولین سبد پیشنهاد انگلیس

اولین مذاکرت ایران و شرکت نفت انگلیس در خرداد ماه ۱۳۳۰ انجام شد و طی آن انگلیس پیشنهاداتی به ایران داد که به پیشنهاد جکسون معروف شد. علت نامگذاری این پیشنهاد به جکسون به دلیل آن بود که ریاست هیئت مذکور با شخصی به نام جکسون بود. این هیئت علاوه بر جکسون شامل سه نفر دیگر نیز بود که عبارت بودند از نویل گس و الینگتن و سر توماس گاردینر. گاردینر نماینده دولت انگلستان در هیئت مدیره شرکت بود. عده‌ای هم معاون و مشاور حقوقی و کارمند دفتری همراه کمیسیون بودند.^۲

این پیشنهاد حقوق یکسانی را برای دو طرف مدنظر قرار داده بود و «جکسون در همان روز ورودش زمان مصاحبه با خبرنگاران اظهار کرد که شرکت نفت انگلیس و ایران حاضر است با یک نام ملی شدن نفت که محلی هم برای شرکت در آن وجود داشته باشد و اساس آن برقراری رژیم تنصیف عواید باشد موافقت کند و اضافه کرد که اگر چنین ترکیبی عملی نشود کارکنان خارجی شرکت ایران را ترک خواهند کرد و شرکت کمبود نفت خود را از کشورهای دیگر مانند عراق تامین خواهد نمود.»^۳

اما پیشنهاد جکسون خیلی زود با مخالفت **دکتر مصدق** شکست خورد. زیرا به زعم دکتر مصدق این پیشنهاد در نهایت اداره شرکت را از دست ایران خارج می‌کرد و ورای شرکتی خارج از مدیریت ایران قرار می‌داد. از نظر دکتر مصدق این پیشنهاد مغایر با اصل ملی شدن نفت بود. بعد از شکست این طرح، انگلیس مجدداً از طریق یک هیئت دیگر و با پیشنهاداتی متفاوت و جدیدتر تلاش خود را آغاز نمود. این بار هیئت مزبور به نمایندگی شخصی به نام استوکس وارد ایران شد.

پیشنهادات نفتی استوکس

پیشنهادات استوکس در شرایطی مطرح شد که انگلیس اصل ملی کردن نفت را به رسمیت شناخت. این اقدام در پی وساطت هری ترومن رئیس‌جمهور آمریکا صورت گرفت. هدف هریمن از این وساطت، موضوع حزب توده و دخالت آنها در موضوع ملی شدن نفت بود. به تصور هریمن چپ‌ها در ماجرای نفت و حوادث بعد از آن نقش داشتند و این می‌توانست منافع آمریکا را با خطر مواجه سازد. از این رو هریمن یک هیات آمریکایی به ایران اعزام کرد و در نهایت با اطمینان طرف ایرانی مبنی بر عدم دخالت حزب توده، هیات آمریکایی ایران را ترک نمود.

البته هیئت مزبور نتوانست کار خاصی از پیش ببرد، با این حال «در سی و یکم تیر هیأت دولت و هیأت مختلط مشترکاً جلسه‌ای تشکیل دادند و فرمولی به هریمن تسلیم کردند که امکان مذاکره با دولت انگلیس بر مبنای آن باشد و هریمن با دریافت آن به اتفاق سفیر انگلیس به لندن رفت و انگلیس پذیرفت که بر اساس آن هیأتی را برای مذاکره به تهران بفرستد.»^۴ این هیات با سرپرستی استوکس وارد ایران شد و در مرداد ماه مذاکرات خود با هیات ایرانی را آغاز نمود.

در طی مذاکرات استوکس نظر دولت انگلستان را به این شرح بیان نمود که باید ترتیباتی اتخاذ شود که اولاً فعالیت صنعت نفت با استفاده از کارشناسان صلاحیتدار پیشرفت کند ثانیاً تسویه اختلاف بین دولت و شرکت با رعایت عدالت انجام شود و ثالثاً جریان نفت برای تامین احتیاجات دنیای آزاد و حفظ منافع اقتصادی ایران ادامه یابد.^۵ طبق این مذاکرات ایران تا حدودی متقاعد شد تا برخی از نظرات هیئت انگلیسی را قبول کند و عده‌ای کارشناس درجه اول از ممالک بیطرف برای عضویت هیئت مدیره استخدام نماید و حتی اکثریت را هم به آنها بدهد.

ولی استوکس مدعی می‌شود که چون کارشناسان انگلیسی حاضر نیستند تحت ریاست کسی که از ملت انگلیس نباشد انجام وظیفه نمایند بهتر است که مدیر عامل انگلیسی باشد تا کلیه عملیات اکتشاف و استخراج و بهره برداری تحت دستور و اختیار او

قرار گیرد. همین عامل باعث شد تا ایران شدیداً نسبت به این موضوع مخالفت کند و آن را رد کند. در نتیجه این هیئت هم با شکست و دست خالی ایران را ترک نمود. البته هیئت مزبور در راستای تحقق اهداف خود با برخی از رهبران مذهبی همچون آیت‌الله کاشانی نیز به گفتگو پرداخت.

بر این اساس هیئت استوکس روز بیستم مرداد به ملاقات [آیت‌الله کاشانی](#) رفته اما «آیت‌الله کاشانی حمله شدیدی به سیاست استعماری انگلستان نمود و دولت انگلستان را به علت این سیاست منفور و مباحوث مردم ایران خواند و طرز عمل شرکت سابق را جنایتکاری نام نهاد و گفت ملت ایران دیگر حاضر به تحمل مداخلات استعمارطلبانه شرکت مزبور نخواهد بود.»^۷ کاشانی حتی تهدید نمود که اگر دکتر مصدق هم برخلاف قانون ملی شدن نفت عمل کند، اعتماد مردم را از دست خواهد داد. به زعم کاشانی و سایر حامیان جنبش ملی نفت، اعضای هیئت استوکس می‌خواستند شرکت سابق را تحت عناوین جدیدی مانند سازمان عامل و سازمان خرید دوباره برگرده مؤسسات نفتی ایران سوار کنند و بوسیله این سازمان‌های نوظهور فقط صدی پنجاه از درآمد نفت به دولت ایران برسد و بعلاوه باز هم انحصار فروش نفت ایران عملاً به دست مؤسسات انگلیسی بیفتد.^۸ طبیعی است در صورت موافقت طرف ایرانی، اصل ملی شدن نفت کاملاً خدشه‌دار می‌شد.

سخن نهایی

انگلیس بعد از ملی شدن نفت، به سیاست مذاکره با مقامات ایرانی متوسل شد تا شاید از این طریق بتواند به امتیازات سابق خود دست یابد. علیرغم آنکه سیاست این کشور در آغاز مبتنی بر روش‌های مسالمت‌آمیز بود؛ اما در بطن آنها نوعی سلطه‌جویی وجود داشت. به عبارتی انگلیس تلاش داشت از طریق مذاکره، مجدداً سلطه خود بر منابع نفتی ایران را احیا کند که در نهایت با شکست و دست رد ایران مواجه شد.

فهرست منابع

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی، تهران، مؤلف، ۱۳۶۸، ص ۶۴.
- فواد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲، ص ۱۴۵. همانجا.
- سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱، ص ۴۰۴. روحانی، همان، صص ۱۹۵ و ۱۹۶.
- مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، تهران، کاوش، بی‌تا، ص ۵۶۰.
- مدنی، همان، ص ۴۰۵.
- مهدوی، همان، ص ۶۷.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48227/نفٲ-بحراز-حٲ-انگليس-پيشنهاداٲ>